



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.  
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی [www.wikifeqh.ir](http://www.wikifeqh.ir) مراجعه فرمایید.

## فقه

فقه، به معنای فهمیدن و درک کردن می باشد که به **استنباط احکام شرع** کمک می‌کند. منظور از فقه، قوانین الزامی و غیر الزامی است که از طرف **خداوند متعال** برای بشر وضع گردیده است. **علم فقه** علمی است که از منظرهای مختلف و متعدد به بررسی این قوانین می‌پردازد و در پیرامون آن بحث می‌کند. موضوعات فقهی مثل **نماز**، **روزه**، **حج**، **معاملات** و بسیاری از موضوعاتی که در فقه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

### فهرست مندرجات

- ۱ - مقدمه
- ۲ - معرفی علم فقه
- ۳ - فقه در لغت
- ۴ - فقه در قرآن و روایات
- ۵ - فقه در اصطلاح فقیهان
- ۶ - موضوع علم فقه
- ۷ - هدف علم فقه
- ۸ - اهمیت و نقش فقه
- ۹ - قلمرو علم فقه
- ۱۰ - علوم مربوط به علم فقه
- ۱۱ - فقه در اصطلاح
- ۱۱.۱ - در اصطلاح علما
- ۱۲ - فقیه در لغت و اصطلاح
- ۱۳ - اهمیت و جایگاه فقه و فقیه
- ۱۴ - منابع و مبانی فقه و اجتهاد
- ۱۵ - اهداف فقیهان و رسالت مرجعیت
- ۱۶ - اهتمام و خدمت مراجع
- ۱۷ - تاریخچه فقه و فقاهت
- ۱۸ - ادوار فقه
- ۱۸.۱ - دوره قبل از غیبت کبری
- ۱۸.۲ - دوره بعد از غیبت کبری
- ۱۸.۲.۱ - فقیهان دوران غیبت
- ۱۹ - فقیهان بعد از شیخ طوسی
- ۲۰ - فقیهان اخباری‌گری
- ۲۰.۱ - فقیهان مخالف اخباری‌گری
- ۲۱ - اوج شکوفایی مکتب اجتهادی
- ۲۲ - بزرگترین فقیهان این دوران
- ۲۳ - علوم پیش‌نیاز فقه
- ۲۴ - منابع اصلی علم فقه
- ۲۵ - تقسیم احکام فقهی
- ۲۵.۱ - احکام تکلیفی
- ۲۵.۲ - احکام وضعی
- ۲۶ - ابواب فقه
- ۲۷ - فهرست منابع
- ۲۸ - پانویس
- ۲۹ - منبع

### مقدمه

ارتباط **انسان** با خودش و با محیط بیرون از او، منشا نیازهای متعدد است. طبیعتاً سازماندهی و پاسخگویی به این نیازها، محتاج قانون‌مندی و داشتن قوانینی است که بتواند انسان را به مقصود و مقصدش برساند. نیازهای مختلف بشر جنبه‌های مختلف جسمی، روحی، فردی و اجتماعی دارد که باید در زیر چتر حمایتی و راهبردی یک سلسله قوانین منطقی و صحیح

تامین گردد.

در جوامع بدوی، این قانون توسط رئیس گروه و یا قبیله وضع می‌شد؛ و در جوامع متمدن‌تر توسط [پیامبر ان الهی \(علیه السلام\)](#) و در فقدان آنان توسط اندیشمندان و یا پادشاهان به صورت‌های گوناگون تحقق می‌یافت.

در زمان کنونی ما، هر دو نوع قانون، در سرزمین‌های مختلف مورد عمل و اجرا است: [قوانین الهی](#) و [قوانین بشری](#). اما کدام برتر است؟ شاید وضع اصل قانون، کار چندان مشکلی نباشد، اما وضع قانونی که با تمامی ابعاد و جلوه‌های گوناگون حیات انسان کاملاً سازگار باشد بسیار دشوار است. بشر می‌تواند برای خود قانون وضع کند ولی هیچگاه نمی‌تواند ادعا کند که سازگارترین و شایسته‌ترین قانون مورد نیاز این موجود را وضع کرده است. دلیل آن بسیار روشن است، زیرا اطلاع بشر از زیر و بم ابعاد وجودی‌اش و از ریزمکری‌های مکانیزم‌های حاکم بر [روح](#) و [جسم](#)، فرد و جمع، بسیار محدود و انک است. و در مقابل، نقطه‌ای و نکته‌ای از وجود انسان و [حیات](#) و [مرگ](#)، [برزخ](#) و [قیامت](#) او بر کسی که او را خلق کرده است، یعنی [پروردگار](#)، پوشیده نیست. بدین ترتیب آیا نمی‌توان ادعا کرد که انسان برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرتش باید توجه خود را به سوی خداوند معطوف کند و ریسمان [بندگی الهی](#) را بر گردن نهد و تابع قوانین موضوعه او باشد؟ (اندیشمندان اسلامی بر این باورند که تنها [وحی](#) می‌تواند منشأ و مرجع قوانین فردی و اجتماعی باشد و تمامی قوانینی که به وحی بازگشت نکنند، از ارزش و اعتبار تهی هستند.)

[۱] دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، در آمدی بر حقوق اسلامی، ص ۲۹۶.

[۲] ابن سینا، الشفاء، الهیات، ج ۱، قاهره، ۱۳۸۰ هـ، ص ۴۴۱.

[۳] طوسی، خواجه نصیر الدین، اخلاق ناصری، تصحیح مینوی و حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۰ ش، ص ۲۵۳.

[۴] فارابی، ابونصر، سیاست مدنی، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران: انجمن فلسفه و حکمت، ۱۳۵۸ ش، ص ۱۵۵.

[۵] شهابی، محمود، ادوار فقه، چ پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۱۱-۱۹.

اسلام کاملترین و آخرین دینی است که توسط پیامبر برگزیده خدا، [محمد \(صلی الله علیه و آله وسلم\)](#) برای بشر تا [روز قیامت](#) به ارمغان آورده شده است.

[۶] خمینی، روح الله، صحیفه نور، چ اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹ ش، ج ۲۱، ص ۹۸.

## معرفی علم فقه

علم فقه از آغاز ظهور و گسترش اسلام و تعالیم آن، از نخستین علمی بوده که مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. فقه اسلامی به مرور زمان دامن خود را گسترده‌تر کرد و موضوعات مختلفی را در حیطه مباحث علمی خود گرفت و به تدریج از وسیع‌ترین علوم اسلامی گردید که همواره مورد تحصیل و تدریس بوده است. با تلاش و نبوغ فقیهانی یگانه، تالیفات فوق‌العاده زیاد و ارزنده‌ای نگاشته شده این آثار زمینه‌های گوناگون [حقوق اساسی](#)، [حقوق مدنی](#)، [حقوق خانواده](#)، [حقوق جزایی](#)، اداری، سیاسی و... مسائل شخصی مثل [عبادات](#) را شامل می‌شود.

[۷] مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدرا، بی‌تا، ص ۵۲.

[۸] مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدرا، بی‌تا، ص ۵۸.

[۹] تقوی، سید مرتضی، جایگاه فقه در اندیشه دینی، قم: مجله فقه اهل بیت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴، ش ۲، ص ۱۹۷-۱۹۸.

[۱۰] تقوی، سید مرتضی، جایگاه فقه در اندیشه دینی، قم: مجله فقه اهل بیت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴، ش ۲، ص ۲۱۱.

[۱۱] جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۰.

منشأ این گستردگی را در این می‌توان یافت که قوانین اسلامی به نژاد یا قبیله خاص و به زمان یا مکان محدودی اختصاص ندارد، بلکه با توجه به نیازهای بشر و برای همه زمان‌ها و مکان‌ها و با توجه به مصلحت‌هایی که برای سعادت هر دو جهان وجود دارد، وضع گشته است.

[۱۲] جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۹.

## فقه در لغت

فقه در لغت، به معنای دانستن و فهمیدن است

[۱۳] جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، ج ۶، ص ۲۲۴۳.

[۱۴] فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، ج ۴، ص ۲۸۹.

[۱۵] ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، واز ه فقه، ج ۴، ص ۴۴۲.

به معنای درک کردن چیزهای مخفی نیز آمده است.

[۱۶] عبدالناصر، جمال، موسوعه فی الفقه الاسلامی، ج ۱، ص ۹.

[راغب](#) در [مفردات](#)، آن را پی بردن از معلومات حاضر به معلومت غایب معنا کرده است.

[۱۷] [راغب اصفهانی](#)، حسین بن محمد، [مفردات الفاظ القرآن](#)، واز ه فقه، ص ۶۴۲.

فقه به معنای مطلق فهم و ادراک و دانش، علم به چیزی، درک و فهم آن چیز، دانستن، فهمیدن؛ فهم دقیق چیزی؛ درک اشیاء مخفی؛ فهم اشیاء دقیق؛ درک منظور و هدف گوینده؛ فهم دقیق مسائل نظری؛ جودت ذهن و سرعت انتقال؛ پی بردن از معلومات حاضر به معلومت غایب به کار رفته است.

[۱۸] موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (علیهم السلام)، قم: موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۱۷.

[۱۹] گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقه‌ها، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۷.

[۲۰] شهابی، محمود، ادوار فقه، چ پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۳۰.

[۲۱] نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۸ ش، ص ۷.

[۲۲] جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۳.

## فقه در قرآن و روایات

در [قرآن کریم](#) نیز از کلمه فقه و مشتقات آن، کم و بیش همین معانی لغوی اراده شده است. برای مثال به نکر دو مورد اکتفا می‌کنیم:

۱. فهم چیزهای دقیق یا مخفی: «وَأَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»

[۱۳۶] اسراء/سور ۱۷، آیه ۴۴

و هیچ چیز نیست مگر آنکه شاکرانه او را تسبیح می‌گوید ولی شما تسبیح آنان را در نمی‌یابید»

۲. مطلق فهم و درک: «قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَعُهُ كَثِيرًا مِمَّا نَقُولُ»

[۱۳۷] هود/سور ۱۱، آیه ۹۱

گفتند ای شعیب بسیاری از آنچه می‌گویی در نمی‌یابیم»

«فقه» در روایت و در بعضی آیات قرآنی، به معنای «بصیرت در دین» به کار رفته است. به عنوان مثال:

۱. «فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لَيَفْتَقَهُوا فِي الدِّينِ»

[۱۳۸] توبه/سور ۹، آیه ۱۲۲

چرا از هر فرقه‌ای از آنان گروهی رهسپار نشوند که دین پڑوهی کنند»

۲. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید: «ما عبد الله بشيء أفضل من فقهه في دينه»

[۱۳۹] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الأطهار، چ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۲۱۳، ح ۸.

خداوند به چیزی برتر از بصیرت یافتن در دین او عبادت و پرستش نشده است»

کلمه «فقه» در قرآن کریم، به معنای تدبیر، تعمق و فهم عمیق به کار رفته است.

[۱۴۰] منافقون/سور ۶۳، آیه ۳-۷

[۱۴۱] انعام/سور ۶، آیه ۶۵

[۱۴۲] انعام/سور ۶، آیه ۹۸

[۱۴۳] اسراء/سور ۱۷، آیه ۴۴

[۱۴۴] اسراء/سور ۱۷، آیه ۴۶

همین مفهوم گسترده برای فقه، در روایت نیز به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه، امام صادق (صلوات الله علیه) می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَفَقَّهُهُ فِي الدِّينِ»

[۱۴۵] کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲

هرگاه خداوند خیر و سعادت بنده‌ای را بخواهد او را در دین، بصیر و آگاه می‌گرداند» بنابراین، «فقه» در لسان قرآن کریم و روایت اسلامی، مفهومی گسترده دارد و عبارت از

شناختی عمیق و وسیع نسبت به همه معارف دینی و دستورهای اسلامی است و به بخش خاصی اختصاص ندارد.

## فقه در اصطلاح فقیهان

فقه در اصطلاح فقیهان و اندیشمندان دین: در شریعت اسلام، هر قانون الهی، «حکم» نامیده می‌شود.

[۱۴۶] مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدر، بی‌تا، ص ۵۴.

هر حکم، مشخص‌کننده وظیفه‌ای است که خداوند متعال در مورد هر یک از کارهای بندگان، از آنها انتظار دارد. هدف این احکام، این است که انسان عمل خاصی را در خارج انجام

دهد یا ترک کند یا اینکه نسبت به ترک یا انجام آن مخیر باشد. و منظور از «علم فقه» علم یافتن به احکام شرعی است از راه‌های اثبات‌کننده آن.

[۱۴۷] جمال الدین، حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ ش، ص ۲۶

به عبارت دیگر، فقه، دانستن احکام شریعت است از راه استدلال و برهن.

[۱۴۸] گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۷.

## موضوع علم فقه

همانگونه که از تعریف اصطلاحی فقه بر می‌آید، موضوع فقه را تملکی قوانین و مقررات عملی فردی و اجتماعی اسلام تشکیل می‌دهد.

[۱۴۹] نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۵

[۱۵۰] موسوی، رضا، آشنایی با مبانی فقه یا حقوق اسلامی، مشهد: دانش شرعی، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۹

## هدف علم فقه

هدف فقه کشف احکام الهی است. قوانین الهی، در مورد تمامی وقایع و موضوعات به صورت مشخص و دقیق بیان نشده است. هدف فقه این است که از طریق منابع و براهین فقهی،

در تمامی مواردی که بشر نیازمند دانستن حکم الهی آن است به کنکاش پرداخته، قوانین مربوط به هر مورد خاص را کشف کند.

[۱۵۱] جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۸.

فعالیتی را که فقیه برای کشف حکم الهی انجام می‌دهد، استنباط یا اجتهاد می‌نامند.

## اهمیت و نقش فقه

اهمیت علم فقه و نقش و کارکرد آن: هر قانونی چه بشری و چه الهی بر اساس مصلحت و فایده وضع می‌گردد. تبعیت از هر قانون و گردن نهان به آن، آن مصلحت و فایده را در پی

خواهد داشت. قوانین الهی نیز چنین است، مصالح و فواید قوانین الهی، تماماً متوجه بندگان می‌شود. این مصلحت‌ها برخی جنبه دنیوی و برخی جنبه اخروی دارد. نقش و اهمیت علم فقه

این است که با مشخص ساختن قوانین الهی و کشف و تبیین آنها و تنظیم اعمال فردی و جمعی مسلمانان، راه رسیدن به این مصالح و بهر مندی از سعادت دنیوی و اخروی را فراهم

می‌سازد.

[۱۵۲] موسسه دانه المعارف الفقه الاسلامی، موسسه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت (علیهم السلام)، قم: موسسه دانه المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ ه، ص ۹

از این جهت است که بصیرت یافتن در دین همواره مورد تأکید خاص معصومین (علیهم السلام) بوده است:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دِعَامَةً وَ دِعَامَةَ هَذَا الدِّينِ، الفقه؛

[۱۵۳] پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، نهج الفصاحة، شماره ۴۶۳۱، ص ۳۳۳

هر چیزی پایه و اساسی دارد، پایه و اسس این دین، فقه است»  
امیرالمؤمنین **علی (علیه السلام)** می‌فرماید: یا بُنّی... تَقَّهْ فی الدین فَلَ الفقهَاء، وَرَثَةُ الانبیاء؛  
[۴۱] معزی ملایری، اسماعیل، جامع احادیث الشیعه، قم مؤلف، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۱۴۲، ح ۲۶.

ای فرزندم، به دنبال بصیرت یافتن در دین باش، همانا فقها وارثان پیامبر اند»  
شاید اعراق نباشد اگر ادعا کنیم که با توجه به اهداف و اهمیتی که فقه دارد، از جهت ارزشمندی، در جایگاه مقدم بر تمام علوم بشری است. سایر علوم بشری، اولاً مصلحت‌ها و منافع محدودی را تأمین می‌کنند و ثانیاً، حداکثر نیمی از سعادت بشر یعنی رفاه و آسودگی دنیوی را فراهم می‌آورند و تأمین سعادت اخروی بشر از بدکفایت و تشخیص و تقنین آنها خارج است.

## قلمرو علم فقه

پیشروی فقه در موضوعات حیث بشری تا آنجا است که اصل شریعت به پیش می‌تازد. تا هر کجا که دین به نحالت در پهنه‌های مختلف زندگی بشر پرداخته است، فقه نیز به آنها دست می‌یازد و به اظهار نظر و **امر و نهی** می‌نشیند. زندگی بشر و نیازهای او را می‌توان در سه حوزه تن و جسم، روح و روان، و ارتباط با خدا، با خود، و با سایر موجودات خلاصه کرد. فقه به تناسب هر کدام از این سه حوزه به راهنمایی می‌پردازد و فرامین الزامی یا غیرالزامی صادر می‌کند.  
[۴۲] تقوی، سید مرتضی، جایگاه فقه در اندیشه دینی، قم: مجله فقه اهل بیت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴ ش ۲، ص ۲۱۱.

## علوم مربوط به علم فقه

از یک نظر، همگی علوم از جهت تبیین موضوعات فقهی به علم فقه مرتبند. مثلاً **بیمه** یک موضوع اقتصادی است. **علم اقتصاد**، تبیین‌کننده این است که بیمه چیست؟ تعریف آن کدام است؟ خصوصیات ویژه آن چیست؟ بعد از تبیین این حد و حدود و واضح ساختن حقیقت و ماهیت این موضوع، علم فقه به بیان حکم آن می‌پردازد. پس، اصل موضوع را علم فقه از خارج از خود - مثلاً از علم اقتصاد - گرفته است ولی اینکه حکم فقهی آن چیست، در علم فقه به آن پرداخته می‌شود.  
البته خود علم فقه نیز موضوعات مشخصی را در درون خود دارد که می‌توان آنها را موضوعات اصیل فقهی یا موضوعات بلاواسطه فقهی نامید؛ مثل **عبادت**.

## فقه در اصطلاح

در اصطلاح بنا بر اینکه فقه یک علم می‌باشد، به علم و استنباط احکام شرع از روی رأی و اجتهاد فقه اطلاق می‌شود.

## ← در اصطلاح علما

کلمه فقه به تدریج، در اصطلاح **علما**، به خصوص **فقها**، فقط به «فقه الاحکام» اختصاص یافته است و امروزه از کلمه «فقه» فقط مسائل عملی اسلام از **واجب و حرام** و مانند آن‌ها به نظر می‌آید. به عبارتی علمای اسلام با الهام از برخی روایات، تعالیم اسلامی را به سه بخش «**عقاید**»، «**اخلاق**» و «**احکام و قوانین عملی**» تقسیم کرده‌اند. آنان کلمه «فقه» را فقط در مورد «احکام و قوانین عملی اسلام» به کار برده‌اند.

## فقیه در لغت و اصطلاح

فقیه در لغت به معنای دانشمند و فرد دانا می‌باشد.  
فقیه در اصطلاح به کسانی که احکام شرعی را توسط **رأی** و اجتهاد خویش به واسطه قرآن کریم، **سنت**، **عقل** و **اجماع** بدست می‌آورند گفته می‌شود.  
[۴۳] دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۳۷، ص ۲۹۴.

## اهمیت و جایگاه فقه و فقیه

پیرامون ارزش و اهمیت علم فقه شبه‌های وجود ندارد، زیرا فقه شامل علمی است که قوام دین و دنیا و نظام معاش و **معاد** وابسته به آن است. با علم فقه است که انسان درمی‌یابد چه وظیفه‌ای در برابر **خالق** و پرورگار خویش دارد و با علم فقه است که انسان‌ها حرام خدا را از حلال خدا تشخیص می‌دهند.  
[۴۴] صافی گلپایگانی، علی، پیش درآمدی بر تاریخ تحول فقه شیعه، ص ۶۹.

و جایگاه فقیه و مراجع دینی در بین مسلمانان به‌ویژه **شیعیان** مشخص است چنانکه **حضرت امام خمینی (رحمة‌الله)** می‌فرماید: «**ولایت** جامعه اسلامی از زمان **غیبت کبری** از سوی شارع مقدس به فقیهان عادل و پارسا تفویض شده و هر زمانی که یک فقیه عادل توانست **حکومت اسلامی** را تأسیس کند، بر همه مردم و حتی دیگر فقها لازم است که از وی تبعیت کنند»

همین‌طور حضرت امام می‌فرماید: «چون چنین فقیهان و مراجعی **نایب امام زمان** هستند، همه اختیارات پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم) و ائمه اطهار (علیه السلام) را در امر حکومت دارا هستند و این‌گونه نیست که اختیارات فقیه در دایره محدودی باشد بلکه او صاحب **ولایت مطلقه** است»  
[۴۵] امام خمینی، روح‌الله و ولایت فقیه، ص ۵۸.

## منابع و مبانی فقه و اجتهاد

منابع استخراج احکام شریعت، مطابق **مذهب شیعه امامیه** به چهار اصل (**کتاب**، سنت، اجماع و عقل) منحصر بوده و لکن بیشتر احکام دینی در کتاب و سنت که به منزله قانون اساسی و آئین‌نامه اجرایی آن می‌باشد به طور مستقیم و غیرمستقیم بیان شده است.

**مراجع** و فقیهان شیعه که توانایی استخراج احکام از مدارک نامبرده را دارند به منظور تعیین و رفع مسئولیت از خود و دیگران بدان اشتغال می‌ورزند و در این باب کوشش می‌نمایند که از این عمل در **عرف منتشره** اجتناب و در اصطلاح قرآنی به **تفقه** تعبیر می‌شود و لزوم آن هم تأکید شده است.

[۴۶] طباطبائی، محمد حسین و دیگران، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، ص ۲۶.

## اهداف فقیهان و رسالت مرجعیت

همان‌گونه که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) فرموده‌اند: ان العلماء ورثة الأنبياء؛ یعنی علماء وارثان پیامبرانند و **امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام)** فرموده‌اند: لَأَنَّ الْمُؤْمِنِينَ الْفُقَهَاءَ حُصُونُ الْأِسْلَامِ؛ یعنی فقهایی مؤمن دژهای اسلامند. پس بنابراین مؤمنان موظفند که در عصر غیبت در مورد «**حوادث واقعه**» به **فقه** مراجعه کنند، زیرا آنان را بیان احادیث امامان و حجت آنان برای مردم هستند.

[۴۷] جمعی از جامعه روحانیت، مرجعیت رمز بقاء تشیع، ص ۲، به نقل از اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴.

[۴۸] کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴.

رسالت عمده فقها و مراجع شیعه در طول تاریخ این بوده که میراث گرانبهای انبیاء که دین و **شریعت الهی** است را از گزند تهاجمت و تحریفات حفظ کرده و پا به پای پیشرفت زمان و مقتضیات هر عصری، کاروان بشریت را به سوی اهداف بلند و آسمانی پیامبران، هدایت و رهبری نمایند و با کوشش‌های عالمانه و مدبرانه خویش، تکلیف انسان‌ها را در حوادث واقعه و **مسائل مستحدثه** روشن سازند.

[۴۹] جمعی از جامعه روحانیت، مرجعیت رمز بقاء تشیع، ص ۲۰.

## اهتمام و خدمت مراجع

علماء شیعه و محدثین و فقهاء علوم اسلامی نهایت سعی و تلاش را نموده‌اند تا آنچه از سوی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) و **اهل بیت (علیهم‌السلام)** نقل شده است را حفظ و نگهداری کنند.

علما و فقهاء شیعه همه روایات اسلامی را که در علوم مختلف می‌باشد را گرد آورده‌اند، و نیز علماء شیعه در طول تاریخ با وضعیتی نابسامان انواع درد و **رنج** و شکنجه‌ها را تحمل کرده‌اند، اما هیچ چیزی مانع از خدمت و اهتمام آنان برای انجام تعهدات و مسئولیت در برابر خدای تعالی و گسترش آئین توحیدی نشده است.

[۵۰] صافی گلپایگانی، علی، پیش درآمدی بر تاریخ تحول فقه شیعه، ص ۸۲.

## تاریخچه فقه و فقاها

تقریباً می‌توان گفت از عصر نبی اکرم و ائمه اطهار (علیه‌السلام) به گونه‌های فقه و فقاها آغاز شده و علماء و دانشمندان اسلامی در این زمینه گام برداشته‌اند.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) نمایندگان را در عصر خویش که آگاهتر به مسائل دینی و قرآنی بودند برای بیان احکام و آشنا کردن مردم با اسلام و قرآن کریم به میان طوائف و اقوام دیگر می‌فرستادند، همانند مأموریت **جعفر بن ابیطالب** به **حیشه** و اعزام **مصعب بن عمیر** به **مدینه**.

بر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) آیهای نازل شد که «و ما كان المؤمنون ليُفَرِّوا كَافَه فُلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة، ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون؛

[۵۱] توبه/سوره ۹، آیه ۱۲۲.

نباید مؤمنان همگی به **جنگ** و **جهاد** پردازند بلکه گروهی (طائفه‌ای) کوچ کنند تا در دین تفقه کنند و هنگام بازگشت به سوی قوم خویش آنان را **انذار** دهند و بترسانند» پس بنا بر تصریح قرآن کریم وجود علماء ضرورت داشته است و با آغاز **غیبت کبری**، این رسالت علماء و فقها سنگین‌تر شده است. زیرا در عصر قیل از غیبت که عصر حضور ائمه اطهار بود، علماء به علت حضور ائمه تحت الشعاع بودند و مردم هم حتی‌المقدور مشکلات خود را با ائمه اطهار در میان می‌گذاشتند اما پس از غیبت کبری تملی مسئولیت دینی به عهده علماء و فقهاء شیعه افتاد.

[۵۲] **مطهری، مرتضی، خدمت متقابل اسلام و ایران، ص ۴۸۰.**

و **امام زمان (عج)** فرمودند: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواه احاديثنا فانهم حجتى عليكم و انا حجة الله عليهم».

[۵۳] **جر عاملی، محمد بن حسن، و سائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۴۰.**

[۵۴] باقی، عمادالدین، کاوشی در روحانیت، ص ۱۷، به نقل از وسائل الشیعه، کتاب القضاء، ج ۱۸.

[۵۵] **عاملی، محمد بن حسن، و سائل الشیعة، کتاب القضاء، ج ۱۸، ص ۸۶.**

البته فقه از اواخر قرن اول هجری مرسوم شد یعنی از این زمان کسانی پیدا شدند که استنباط احکام دینی را از طریق ائمه شریعت بدست می‌آوردند.

[۵۶] **مدوحی، حسن، حکمت حکومت فقیه، ص ۴۶.**

اما موقعیت خاص و ویژه‌ای که برای مراجع و فقهاء شیعه پیش آمد از سال ۳۲۹ هجری بوده است زیرا از این زمان فقهاء شیعه عهدمدار تشریح و تبیین احکام اسلام و پاسخگویی پرسش‌های **شیعیان** بوده‌اند و از اینجا بود که مرجعیت شیعه تکوین یافت و پیوند مستحکمی میان شیعیان و مرجعیت برقرار گردید.

[۵۷] **حسنی، سلیم، نقش علمای شیعه در رویارویی با استعمار، ص ۸.**

## ادوار فقه

ظهور مکتب‌ها همواره با وضع قوانین مبتنی بر عناصر اعتقادی همراه بوده است. اسلام نیز از این امر مستثنا نیست. قوانین اسلام از طریق وحی و توسط پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) به مردم ابلاغ می‌شد. این دوره را، دوره یا عصر تشریح احکام

[۵۸] موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قم موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۳۴.

[۵۹] گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۰.

[۶۰] شهبازی، محمود، ادوار فقه، چ پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵ ش، ج ۳، ص ۶۲.

[۶۱] نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸ ش، ص ۹.

[۶۲] جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۵.

می‌نامیم.

#### ← دوره قبل از غیبت کبری

بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم)، بیان احکام به عهده ائمه هدی (علیهم‌السلام) بود و آنچه را که توسط پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) و از طریق امام قبل از خود یافته بودند، در اختیار مسلمین قرار می‌دادند. این روند تا ابتدای زمان غیبت کبری ادامه یافت. این دوره را که دوره بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) است می‌توان دوره تبیین نامید زیرا بسیاری از قوانین دین توسط امامان (علیهم‌السلام) برای مردم بیان گشت.

[۶۳] گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۱۳.

[۶۴] جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۵.

[۶۵] موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قم موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۳۷.

در این دوره فقهایی به معنای واقعی، خود ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بودند و شاگردان ایشان بیشتر نقش انتقال‌دهنده قوانین بیان شده توسط امامان (علیهم‌السلام) را بر عهده داشتند. اوج دوره تبیین در زمان **امام باقر و امام صادق** (علیهم‌السلام) است.

[۶۶] موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قم موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۳۹.

[۶۷] موسوی، رضا، آشنایی با مبادی فقه یا حقوق اسلامی، مشهد: دانش شرقی، ۱۳۷۹ ش، ص ۸۰.

فضای باز سیاسی فرصتی را به دست داد تا امام باقر و امام صادق (علیهم‌السلام) در **مسجد** و منزل خود مجالس علم و دانش برقرار کنند و به نشر معارف اسلامی خصوصاً فقه شیعه و تربیت اندیشمندان و فقیهان بپردازند.

#### ← دوره بعد از غیبت کبری

با آغاز غیبت کبری، (سال ۳۲۹ هـ آغاز غیبت کبری است. قبل از آن به مدت ۶۹ سال از زمان شهادت **امام حسن عسکری (علیه‌السلام)** به نام **غیبت صغری** نامیده می‌شود. در این مدت، امام زمان (علیه‌السلام) از طریق **نواب چهارگانه** خود با شیعیان در ارتباط بودند. به هنگام فرار سیدین فوت **ابو الحسن علی بن محمد السمری**، آخرین نایب خاص حضرت، به ایشان فرمودند: تو به «زودی فوت خواهی کرد؛ کسی را به جانشینی تعیین مکن؛ غیبت تلمه واقع شده است...»

[۶۸] طوسی، محمد بن حسن، **کتاب الغیبة، تحقیق عبدالله الطهرانی و علی احمد ناصح**، قم موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ هـ، ص ۳۹۵، ج ۳۶۵.

فصل جدیدی در فقه شیعه باز می‌شود: دوره عدم دسترسی به **امام معصوم (علیه‌السلام)**. این عصر جدید، به حسب تطور و تکاملی که در نحوه کشف حکم شرعی از منابع فقهی صورت می‌گیرد، به دوره‌های مختلفی تقسیم می‌گردد. در آغاز، به علت نزدیکی دانشمندان اسلامی به عصر حضور ائمه (علیهم‌السلام)، فعالیت فقهی آنان بیشتر متوجه جمع‌آوری احادیث ائمه و تدوین آنها در کتب جداگانه و یا دسته‌بندی کردن موضوعی احادیث بود.

[۶۹] موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قم موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۴۹.

[۷۰] نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۹.

[۷۱] انصاری، محمدعلی، **الموسوعة الفقهیه المیسرة**، چ اول، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۴۳.

[۷۲] جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۵.

#### ← فقیهان دوران غیبت

مهمترین این فقیهان عبارتند از:

[۷۳] کلینی، محمد بن یعقوب، کافي، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ هـ، مقدمه حسین علی محفوظ.

[۷۴] گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۳۰-۱۴۲.

۱. **محمد بن یعقوب کلینی الرازی** (متوفای ۳۲۹ هـ)؛

۲. **محمد بن یاقوتیه** (متوفای ۳۸۱ هـ) معروف به شیخ صدوق. او از رؤسای محدثان شیعه است؛

۳. **محمد بن نعمان** (متوفای ۴۱۳ هـ) معروف به شیخ مفید؛

۴. **سید مرتضی** (متوفای ۴۳۶ هـ) مقلد به علم الهدی.

دور شدن تدریجی از عصر حضور و ظهور موضوعات جدیدی که حکم فقهی آنها را در میان احادیث نمی‌توان یافت و یا در مورد آن، روایت و احادیث متخالف و متعارض وجود داشت، و بعضی مسائل دیگر، موجب گشت اندیشمندان اسلامی برای استخراج و کشف قوانین شرعی این موضوعات بر مبنای منابع اصلی به تکاپو افتاد.

[۷۵] موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قم موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۵۰ - ۵۲.

[۷۶] گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۲۴-۱۲۵.

[۷۷] گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۷۵.

[۷۸] نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۹.

[۷۹] انصاری، محمدعلی، **الموسوعة الفقهیه المیسرة**، چ اول، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۴۳.

[۸۰] جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۲۹.

یعنی فعالیت بالاتر و بیشتر از نقل حدیث که تا قبل از این زمان جریان داشت. در حقیقت، اینان، اولین فقیهان واقعی در عصر غیبت هستند.

این فعالیت اجتهادی برای کشف احکام شرعی از میان متون و منابع فقهی با فراز و نشیب‌هایی تاکنون ادامه یافته است. اولین فقهی که به طور گسترده و جدی به اجتهاد و استخراج احکام فقهی پرداخت، **محمد بن الحسن الطوسی** (متوفای ۴۶۰ هـ)، مشهور به شیخ طوسی است. اولین تحول عظیم فقه اجتهادی شیعه به دست او تحقق یافت. بعد از فوت استانش، سید مرتضی، رهبری حوزه بزرگ علمی شیعی را عهده‌دار شد. عظمت علمی او چنان بود که برای سالیان دراز، شعله اجتهاد فروکش کرد و اندیشمندان و دانشمندان شیعه به جای اجتهاد به تقلید از فتاوی او پرداختند. کسی را یاری مخالفت با آراء فقهی او نبود. در علوم مختلف دست داشت. با وجود اشتغالات بسیار سیاسی و اجتماعی، موفق به تالیف آثار ارزشمند بسیاری گشت. از بزرگترین و معروفترین کتب‌های او، **تهذیب و استبصار** در حدیث، **مبسوط و نهجیه و خلاف** در فقه، **عدة الاصول** در اصول فقه، **تمهید الاصول و تلخیص الشافی** در

**علم کلام** و **کتاب التبیان** در تفسیر است.



## فقیهان بعد از شیخ طوسی

پس از شیخ طوسی، فقیهان بزرگی ظهور کردند که هر کدام به نوبه خود در سیر جریان تفقه گذاشته‌اند. طلابداران حرکت اجتهادی پس از ایشان عبارتند از: [۸۲] گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۲۲-۲۲۷.

۱. **محمد بن احمد الحلّی** (متوفای ۵۹۸ هـ) معروف به ابن ادریس؛
۲. **جعفر بن الحسن الحلّی** (متوفای ۶۷۶ هـ) معروف به محقق حلّی؛
۳. **حسین بن یوسف حلّی** (متوفای ۷۲۶ هـ) معروف به علامه حلّی؛
۴. **محمد بن مکی** (متوفای ۷۸۶ هـ) معروف به شهید اول؛
۵. **علی بن حسین عاملی** (متوفای ۹۴۰ هـ) معروف به محقق کرکی؛
۶. **زین‌الدین بن علی عاملی** (متوفای ۹۶۵ هـ) مشهور به شهید ثانی.

## فقیهان اخباری‌گری

همزمان با ظهور و اوج‌گرایش استدلالی و استنباطی به فقه، فقیهان دیگری ظهور کردند که به مخالف شدید با رویکرد استدلالی پرداختند و نهضت بزرگ و تاثیرگذاری به نام مکتب اخباری‌گری را که تا یک قرن بر مراکز عمده و مهم فقهی شیعه سلطه مقتدرانه داشت بنیان‌گذارند. سردمدار این حرکت پرخروش، مرحوم **محمد امین استرآبادی** است که با نبوغ سرشار خود به تخریب پایه‌ها و اسس استدلال‌ها و خردگیری‌های گرایش عقلی افراطی

[۸۳] **موسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قزموسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۶۱.** پرداخت و احکام فقهی را بر پایه مندرجات کتب حدیثی و روایی مستحکم کرد. تلاش او اجتهاد فقهی را برای مدت طولانی **عقیم** کرد. این مکتب با اندیشه بزرگانی چون مرحوم **فیض کاشانی، حرّ عاملی، علامه مجلسی، شیخ یوسف بحرانی** تثبیت و تقویت گردید.

[۸۴] **موسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قزموسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۶۰-۶۱.**

[۸۵] گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۳۰-۲۳۴.

[۸۶] گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۳۶ به بعد. بزرگانی که فرش این مکتب را گستراندند عبارتند از:

[۸۷] گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۳۰-۲۳۳.

[۸۸] **موسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قزموسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۶۲.**

۱. محمد امین استرآبادی (متوفای ۱۰۳۶ هـ)؛
۲. محمد بن مرتضی (متوفای ۱۰۹۱ هـ) ملقب به مولی محسن فیض کاشانی؛
۳. محمد بن حسن حرّ عاملی (متوفای ۱۱۰۴ هـ) معروف به شیخ حرّ عاملی؛
۴. محمدباقر مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هـ) معروف به علامه مجلسی؛
۵. شیخ یوسف بحرانی (متوفای ۱۱۸۶ هـ) که او نیز یکی دیگر از بزرگان مکتب اخباری‌گری است. اثر ارزنده او **الحدائق الناضرة** نام دارد. او از کسانی است که با تعدیل آراء خود به افول جریان اخباری‌گری کمک کرد.

## ← فقیهان مخالف اخباری‌گری

زوال اخباری‌گری با درخشیدن اندیشمندان بزرگی به نام **محمد باقر بهبهانی** (متوفای ۱۲۰۵ هـ) معروف به وحید بهبهانی و شاگردان او آغاز می‌شود. او با استعداد وافر خود از طرفی به رد شبهات و تشکیک‌های مکتب اخباری‌گری پرداخت و از طرف دیگر به گونه‌های منطقی و مستدل پایه‌های مکتب اجتهاد را استوار ساخت. کتب معروف او در رد مکتب حدیث، **الفوائد الحائره** به نام دارد. نامی در مقابل **الفوائد المذهبية** تالیف سردمدار نهضت اخباری‌گری، محمد امین استرآبادی. نبوغ او در رد افکار افراطی اخباریان چنان بود که کم‌کم طلابداران دفاع از اخباری‌گری را نیز به تردید واداشت و آنان را به تعدیل مواضع فکری خود متمایل ساخت. بدین ترتیب اخباری‌گری به تدریج از میان حوزه‌های فقهی رخت بر بست و اجتهاد و استنباط فقهی دوباره روند حاکم و مسلط در آن مراکز علمی گردید. این سبب علمی تاکنون نیز ادامه دارد.

[۸۹] **موسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قزموسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۶۴-۶۹.**

[۹۰] گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۳۶ به بعد.

[۹۱] نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحدیث، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۹.

بزرگترین فقیهان این نهضت علمی عبارتند از:

[۹۲] گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۳۵.

۱. **سید محمد مهدی طباطبایی** (متوفای ۱۲۱۲ هـ) معروف به بحر العلوم؛
۲. **شیخ جعفر کاشف الغطاء** (متوفای ۱۲۲۷ هـ)؛
۳. **سید علی طباطبایی** (متوفای ۱۲۳۱ هـ) معروف به صاحب ریاض؛
۴. **میرزا ابوالقاسم قمی** (متوفای ۱۲۳۱ هـ) مشهور به میرزای قمی؛
۵. **احمد بن محمد مهدی نراقی** (متوفای ۱۲۴۵ هـ)؛
۶. **شیخ محمد حسین اصفهانی**، (متوفای ۱۲۵۴ یا ۱۲۶۰ هـ) مشهور به صاحب فصول؛
۷. **شیخ محمدحسن اصفهانی** (متوفای ۱۲۶۶ هـ) مشهور به صاحب جواهر.

## اوج شکوفایی مکتب اجتهادی

اوج شکوفایی مکتب اجتهادی را پس از آن، در فعالیت‌های نابغه یگانه، مرحوم **شیخ مرتضی انصاری** (متوفای ۱۲۸۱ هـ) می‌یابیم.  
[۹۱۲] **موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، موسسه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (علیهم‌السلام)، قم** موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۶۹.

[۹۱۳] **نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن‌الحديث، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۶.**

[۹۱۴] **جناتی، محمد ابراهیم، احوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۴۶.**

ایشان با تأییدات الهی و عنایت ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، تحول عظیمی را در تفکر فقهی و مبانی اصولی آن پایه‌گذاری کرد که از آن زمان تاکنون بی‌نظیر بوده است. شیخ انصاری با استدلال‌های عمیق و اندیشه والای خود به سرعت به جنب و پرورش انسان‌های مستعدی پرداخت که پس از او پرچم فقهت اجتهادی را در دست گرفتند و فقه شیعی بر دوش آنان به بالین خود ادامه داد.

[۹۱۵] **گرگی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقه‌ها، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۵۸ به بعد.**

مرحوم شیخ آثار ارزشمندی از خود به یادگار گذاشت. از مشهورترین آنها که هم اکنون نیز از کتب اصلی حوزه‌های علمیه است، **فرائد الاصول** مشهور به رسائل، در اصول فقه و **مکاسب** در فقه است. این دو کتب، معرفت نظر و جویان عظیم فکری مرحوم شیخ است. عظمت علمی این دو اثر، دانشمندان و فقه‌ها و عالمان پس از او را بر آن داشت که بر شرح و توضیح این دوائر جاویدان بپردازند. این دو کتب بزرگ در حقیقت موتور محرکه حرکت پرخروش علمی پس از اوست. این نابغه فقه، با نظرات و آراء و دقت‌های بی‌بدیل و ابتکاری خود، تحولی شگرف را در فقه و اصول فقه شیعه پدید آورد که امواج آن هنوز هم کرانه‌های این علوم را در می‌نوردد.

## بزرگترین فقیهان این دوران

چند تن از بزرگترین فقیهان پس از او عبارتند از:

[۹۱۷] **گرگی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقه‌ها، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۷۸ به بعد.**

۱. **محمد حسن شیرازی** (متوفای ۱۳۱۲ هـ) معروف به میرزای شیرازی بزرگ؛

۲. **محمد کاظم خراسانی** (متوفای ۱۳۲۹ هـ) معروف به آخوند؛

۳. **سید محمدکاظم یزدی** (متوفای ۱۳۳۷ هـ)؛

۴. **میرزا محمد حسین نائینی** (متوفای ۱۳۵۵ هـ)؛

۵. **شیخ عبدالکریم حائری** (متوفای ۱۳۵۵ ش)، از فقه‌های برجسته شیعه است، و به عنوان مؤسسه **حوزه علمیه قم** شناخته می‌شود؛

۶. **شیخ محمد حسین اصفهانی** (متوفای ۱۳۶۱ هـ)؛

۷. **آقا ضیاء الدین عراقی** (متوفای ۱۳۶۱ هـ)؛

۸. **سید ابوالحسن اصفهانی** (متوفای ۱۳۶۵ هـ)؛

۹. **جاج آقا حسین بر و جردی** (متوفای ۱۳۸۰ هـ)؛

۱۰. **سید محسن حکیم** (متوفای ۱۳۹۰ هـ)؛

۱۱. **سید ابوالقاسم خویی** (متوفای ۱۴۱۳ هـ)، آثار علمی او هم اینک در حوزه‌های معتبر علمی شیعه مورد مذاقه و بحث و نقد قرار می‌گیرد. او از یگانه مجتهدانی است که با آراء متقن خود، نوعی مبناسازی علمی را در فقه و اصول و **رجل** پایه‌گذاری کرد.

۱۲. **روح الله خمینی** (متوفای ۱۴۰۹ هـ، ۱۳۶۸ ش)، شخصیت عظیمی که احیاءگر اسلام در قرن ۱۴ هجری است. مجاهدات دامن‌دار، طولانی و خالصانه، او را به رهبر بلامنازع مسلمین جهان مبدل ساخت. تالیفات ایشان هم اکنون مورد مراجعه اندیشمندان در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها است.

## علوم پیش‌نیاز فقه

برای فراگیری علم فقه، کمابیش به دانستن علمی نیازمند: **زبان عربی** که زبان قرآن روایت و کتب فقهی است؛ **تفسیر قرآن**، علم شناخت روایان حدیث (علم رجال)؛ **منطق**، برای شناخت کیفیت تفکر و استدلال؛ و مهمتر از همه، **علم اصول فقه** که پایه‌های اساسی نحوه استنباط و کشف حکم شرعی را به دست می‌دهد.

[۹۱۸] **نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن‌الحديث، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۰.**

## منابع اصلی علم فقه

وظیفه فقیه، کشف و استنباط حکم شرعی است. فقیه در فقه شیعه، نظر و رای شخصی خود را ابراز نمی‌دارد. بلکه کار او، کشف رای و نظر الهی است که از طریق وحی به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآل‌وسلم) رسیده، و بسیاری از آنان بر لسان و زبان ائمه هدی (علیهم‌السلام) تبیین یافته است.

[۹۱۹] **نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن‌الحديث، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۵.**

[۹۲۰] **مدرسی طباطبایی، سیدحسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه (کلیات و کتب‌شناسی)**، مترجم: محمد آصف فکرت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸ ش، ص ۱۲.

این آراء الهی در منابعی نهفته است که به عنوان منابع علم فقه شناخته می‌شوند. **قرآن** به عنوان بیان‌کننده اتمت و کلیت قوانین الهی، اولین و مهمترین منبع فقهی است. پس از آن، روایت و احادیث جایگاه مهمی را از این نظر دارا هستند: از روایت و **احادیث** به عنوان **سنت** نام برده می‌شود. دو منبع دیگر نیز در فقه امامیه به عنوان منابع علم فقه مورد توجه هستند، اجماع و عقل. منظور از «اجماع» اتفاق نظر تمامی فقه‌ها بر یک حکم است. و منظور از «عقل»، آن درکی است که عقل به نحو حتمی و قطعی آن را می‌یابد. برای هر کدام از این منابع، شرایطی وجود دارد که تنها در صورت محقق شدن آنها صلاحیت خواهند داشت مستند احکام فقهی قرار گیرند.

## تقسیم احکام فقهی

احکام فقهی:

[۹۲۱] **مشکنی، علی، اصطلاحات الاصول و معظم اجرائها، چ ششم، قم: الهادی، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۲۰.**

[۹۲۲] **گروه مطالعات اسلامی دائرة المعارف انسان‌شناسی، فرهنگ اصطلاحات فقهی، چ اول، تهران: انجمن قلم ایران، ۱۳۷۷ ش، ص ۷۱.**

[۹۲۳] **مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدرا، بی‌تا، ص ۵۵-۵۶.**

[۹۲۴] **نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن‌الحديث، ۱۳۷۸ ش، ص ۴۰.**



## ← احکام تکلیفی

این احکام قوانینی هستند مشتمل بر امر یا نهی و یا **ترخیص**. احکام تکلیفی پنج نوع‌اند:

۱. **وجوب**: به موجب این حکم، انسان می‌بایستی فعل مورد نظر خداوند را حتماً انجام دهد و در صورت تخلف از آن، **کیفر** می‌شود.
۲. **استحباب**: به موجب این حکم، انسان می‌تواند فعل مورد نظر شارع را ترک کند بدون اینکه کیفر شود ولی اگر آن را انجام دهد پاداش می‌یابد.
۳. **حرمت**: به موجب این حکم، انسان می‌بایستی فعل مورد نظر شارع را حتماً ترک کند و در صورت ارتکاب آن، کیفر می‌شود.
۴. **کراهت**: به موجب این حکم، انسان می‌تواند فعل مورد نظر شارع را انجام دهد بدون اینکه کیفر شود ولی اگر آن را انجام ندهد، پاداش می‌یابد.
۵. **ایباح**: به موجب این حکم، انسان می‌تواند فعل مورد نظر شارع را انجام دهد یا ترک کند، بدون اینکه کیفر شود یا پاداش یابد.

## ← احکام وضعی

هر یک از احکامی که در دایره شمول احکام تکلیفی قرار نگیرد، **حکم وضعی** نامیده می‌شود. مثل **سببیت**، **شرطیت**، **جزئیت**، **مانعیت**، **صحت**، **بطان**، **زوجیت**، **ملکیت** و... به عنوان مثال، نجس بودن بدن و لباس، مانع صحت و قبولی **نماز** است. «مانعیت» یک حکم وضعی است. و یا وقتی معامله‌ای مطابق قوانین الهی انجام نشود، به باطل بودن متصف می‌شود. بطان، یک حکم وضعی است.

تقسیمات دیگری نیز در مورد احکام الهی وجود دارد.

## ابواب فقه

موضوعات فقهی مثل نماز، روزه، حج، معاملات و بسیاری از موضوعاتی که در فقه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، در یک دسته‌بندی کلی به صورت زیر گرد هم می‌آیند:

۱. **عبادات**: شامل **طهارت**، **نجاست**، نماز، روزه، حج، **خمس**، **زکات** و...؛
  ۲. **عقدها (عقود)**: شامل **تجارت**، **اجاره**، **ازدواج** و...؛
  ۳. **ایقاعات**: شامل **طلاق**، **جعله**، **نذر**، **عهد** و...؛
  ۴. احکام: شامل **صید**، کشتار حیوانات، **ارث** و...؛
- این تقسیم‌بندی را مرحوم **محقق حلی** در کتاب **شرائع الاسلام** ارائه کرده است و از زمان ایشان تاکنون تقریباً دسته‌بندی رایج مجموعه‌های فقهی بوده است.

## فهرست منابع

۱. انصاری، محمدعلی، الموسوعة الفقهية الميسرة، ج اول، قم: مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۵ هـ.
۲. پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحة (سخنان پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم))، تحقیق و ترتیب: غلام حسین مجیدی، ج اول، قم: انصاریان، ۱۳۷۹ ش.
۳. تقوی، سید مرتضی، جایگاه فقه در اندیشه دینی، قم: مجله فقه اهل بیت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴ ش.
۴. جمال‌الدین حسن بن زین‌الدین، معلم‌الدین و ملاذ المجتهدین، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۵. جناتی، محمد ابراهیم، دوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴ ش.
۶. خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۷. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامی، ج دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی، دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۶ ش.
۸. شهایی، محمود، انوار فقه، ج پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۹. الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، کتاب الغیبة، تحقیق عبدالله الطهرانی و علی احمد ناصح، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ هـ.
۱۰. کلینی الرازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. گروه مطالعات اسلامی دائره المعارف انسان شناسی، فرهنگ اصطلاحات فقهی، ج اول، تهران: انجمن قلم ایران، ۱۳۷۷ ش.
۱۳. موسسه دائره‌المعارف الفقه الاسلامی، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت - (علیهم‌السلام)، قم: موسسه دائره‌المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الأطهار، ج چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۱۵. مدرسی طباطبایی، سیدحسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه (کلیات و کتب‌شناسی)، مترجم: محمد آصف فکرت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۱۶. المشکینی، علی، اصطلاحات الاصول و معظم اباحتها، ج ششم، قم: الهادی، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدرا، بی‌تا.
۱۸. المعزی الملایری، اسماعیل، جامع احادیث الشیعه، قم: مؤلف، ۱۳۷۱ ش.
۱۹. موسوی، رضا، آشنایی با مبای فقه یا حقوق اسلامی، مشهد: دانش شرقی، ۱۳۷۹ ش.
۲۰. نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن‌الحديث، ۱۳۷۸ ش.

## پانویس

۱. ↑ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامی، ص ۲۹۶.
۲. ↑ ابن سینا، الشفاء، الهیلت، ج ۱، قاهره، ۱۳۸۰ هـ، ص ۴۱.
۳. ↑ طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تصحیح مینوی و حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۰ ش، ص ۲۵۳.
۴. ↑ فارابی، ابونصر، سیاست مدنی، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران: انجمن فلسفه و حکمت، ۱۳۵۸ ش، ص ۱۵۵.
۵. ↑ شهایی، محمود، انوار فقه، ج پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۱۱-۱۹.
۶. ↑ خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹ ش، ج ۱، ص ۹۸.

۷. ↑ مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدرا، بی‌تا، ص ۵۲.
۸. ↑ مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدرا، بی‌تا، ص ۵۸.
۹. ↑ تقوی، سید مرتضی، جایگاه فقه در اندیشه دینی، قم: مجله فقه اهل بیت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴، ش ۲، ص ۱۹۷-۱۹۸.
۱۰. ↑ تقوی، سید مرتضی، جایگاه فقه در اندیشه دینی، قم: مجله فقه اهل بیت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴، ش ۲، ص ۲۱۱.
۱۱. ↑ جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴، ش، ص ۱۰.
۱۲. ↑ جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴، ش، ص ۹.
۱۳. ↑ جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، ج ۶، ص ۲۲۴۳.
۱۴. ↑ فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، ج ۴، ص ۲۸۹.
۱۵. ↑ ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، واژه فقه، ج ۴، ص ۴۴۲.
۱۶. ↑ عبدالناصر، جمال، موسوعه فی الفقه الاسلامی، ج ۱، ص ۹.
۱۷. ↑ راجب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، واژه فقه، ص ۶۴۲.
۱۸. ↑ موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قم: موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۱۷.
۱۹. ↑ گرگی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷، ش ۷.
۲۰. ↑ شهبایی، محمود، ادوار فقه، چ پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ش، ج ۱، ص ۳۰.
۲۱. ↑ نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸، ش، ص ۷.
۲۲. ↑ جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴، ش، ص ۳.
۲۳. ↑ اسراء/سور ۱۷، آیه ۴۴.
۲۴. ↑ هود/سور ۱۱، آیه ۹۱.
۲۵. ↑ توبه/سور ۹، آیه ۱۲۲.
۲۶. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار، چ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ش، ج ۱، ص ۲۱۳، ح ۸.
۲۷. ↑ منافقون/سور ۶۳، آیه ۷-۳.
۲۸. ↑ انعام/سور ۶، آیه ۶۵.
۲۹. ↑ انعام/سور ۶، آیه ۹۸.
۳۰. ↑ اسراء/سور ۱۷، آیه ۴۴.
۳۱. ↑ اسراء/سور ۱۷، آیه ۴۶.
۳۲. ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲.
۳۳. ↑ مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدرا، بی‌تا، ص ۵۴.
۳۴. ↑ جمال الدین، حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵، ش، ص ۲۶.
۳۵. ↑ گرگی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷، ش، ص ۷.
۳۶. ↑ نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸، ش، ص ۱۵.
۳۷. ↑ موسوی، رضا، آشنایی با مبداي فقه یا حقوق اسلامی، مشهد: دانش شرقی، ۱۳۷۹، ش، ص ۴۹.
۳۸. ↑ جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴، ش، ص ۸.
۳۹. ↑ موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قم: موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۹.
۴۰. ↑ بیلمیر (صلی الله علیه و آله وسلم)، نهج الفصاحة، شماره ۴۶۳۱، ص ۳۳۳.
۴۱. ↑ معزی ملایری، اسماعیل، جامع احادیث الشیعه، قم: مؤلف، ۱۳۷۱، ش، ج ۱، ص ۱۴۲، ح ۲۶.
۴۲. ↑ تقوی، سید مرتضی، جایگاه فقه در اندیشه دینی، قم: مجله فقه اهل بیت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴، ش ۲، ص ۲۱۱.
۴۳. ↑ دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۳۷، ص ۲۹۴.
۴۴. ↑ صافی گلپایگانی، علی، پیش درآمدی بر تاریخ تحول فقه شیعه، ص ۶۹.
۴۵. ↑ امام خمینی، روح الله، ولایت فقیه، ص ۵۸.
۴۶. ↑ طباطبائی، محمد حسین و دیگران، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، ص ۲۶.
۴۷. ↑ جمعی از جامعه روحانیت، مرجعیت رمز بقاء تشیع، ص ۲، به نقل از اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴.
۴۸. ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴.
۴۹. ↑ جمعی از جامعه روحانیت، مرجعیت رمز بقاء تشیع، ص ۲۰.
۵۰. ↑ صافی گلپایگانی، علی، پیش درآمدی بر تاریخ تحول فقه شیعه، ص ۸۲.
۵۱. ↑ توبه/سور ۹، آیه ۱۲۲.
۵۲. ↑ مطهری، مرتضی، خدمت متقابل اسلام و ایران، ص ۴۸۰.
۵۳. ↑ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰.
۵۴. ↑ باقی، عمادالدین، کاوشی در روحانیت، ص ۱۷، به نقل از وسائل الشیعه، کتب القضاء، ج ۱۸.
۵۵. ↑ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، کتب القضاء، ج ۱۸، ص ۸۶.
۵۶. ↑ ممدوحی، حسن، حکمت حکومت فقیه، ص ۴۶.
۵۷. ↑ حسینی، سلیم، نقش علمای شیعه در رویارویی با استعمار، ص ۸.
۵۸. ↑ موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (عليهم السلام)، قم: موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۳۴.
۵۹. ↑ گرگی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷، ش، ص ۱۰.
۶۰. ↑ شهبایی، محمود، ادوار فقه، چ پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ش، ج ۳، ص ۶۲.
۶۱. ↑ نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸، ش، ص ۹.
۶۲. ↑ جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴، ش، ص ۲۵.
۶۳. ↑ گرگی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۷، ش، ص ۱۱۳.

۶۴. [↑ جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴، ش، ص ۲۲۵](#)
۶۵. [↑ موسسه دائرالمعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت \(عليهم السلام\)، قم: موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۳۷.](#)
۶۶. [↑ موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت \(عليهم السلام\)، قم: موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۳۹.](#)
۶۷. [↑ موسوی، رضا، آشنایی با مبای فقه یا حقوق اسلامی، مشهد: دانش شرقی، ۱۳۷۹، ش، ص ۸۰.](#)
۶۸. [↑ طوسی، محمد بن حسن، کتب الغیبه، تحقیق عباد الله الطهرانی و علی احمد ناصح، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ هـ، ص ۳۹۵، ح ۳۶۵.](#)
۶۹. [↑ موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت \(عليهم السلام\)، قم: موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۴۹.](#)
۷۰. [↑ نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸، ش، ص ۱۹.](#)
۷۱. [↑ انصاری، محمدعلی، الموسوعه الفقهیه المیسره، ج اول، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۴۳.](#)
۷۲. [↑ جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴، ش، ص ۲۲۵.](#)
۷۳. [↑ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ هـ، مقدمه حسین علی محفوظ.](#)
۷۴. [↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها \(سمت\)، ۱۳۷۷، ش، ص ۱۳۰-۱۴۲.](#)
۷۵. [↑ موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت \(عليهم السلام\)، قم: موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۵۰ - ۵۲.](#)
۷۶. [↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها \(سمت\)، ۱۳۷۷، ش، ص ۱۲۴-۱۲۵.](#)
۷۷. [↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها \(سمت\)، ۱۳۷۷، ش، ص ۱۷۵.](#)
۷۸. [↑ نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸، ش، ص ۲۹.](#)
۷۹. [↑ انصاری، محمدعلی، الموسوعه الفقهیه المیسره، ج اول، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۴۳.](#)
۸۰. [↑ جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴، ش، ص ۲۲۹.](#)
۸۱. [↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها \(سمت\)، ۱۳۷۷، ش، ص ۱۷۸ به بعد.](#)
۸۲. [↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها \(سمت\)، ۱۳۷۷، ش، ص ۲۲۲-۲۲۷.](#)
۸۳. [↑ موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت \(عليهم السلام\)، قم: موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۶۱.](#)
۸۴. [↑ موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت \(عليهم السلام\)، قم: موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۶۰-۶۴.](#)
۸۵. [↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها \(سمت\)، ۱۳۷۷، ش، ص ۲۳۰-۲۳۴.](#)
۸۶. [↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها \(سمت\)، ۱۳۷۷، ش، ص ۲۳۶ به بعد.](#)
۸۷. [↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها \(سمت\)، ۱۳۷۷، ش، ص ۲۳۰-۲۳۳.](#)
۸۸. [↑ موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت \(عليهم السلام\)، قم: موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۶۲.](#)
۸۹. [↑ موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت \(عليهم السلام\)، قم: موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۶۴-۶۹.](#)
۹۰. [↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها \(سمت\)، ۱۳۷۷، ش، ص ۲۳۶ به بعد.](#)
۹۱. [↑ نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸، ش، ص ۱۹.](#)
۹۲. [↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها \(سمت\)، ۱۳۷۷، ش، ص ۲۳۵.](#)
۹۳. [↑ موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت \(عليهم السلام\)، قم: موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ج ۱، ۱۴۲۳ هـ، ص ۶۹.](#)
۹۴. [↑ نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸، ش، ص ۲۶.](#)
۹۵. [↑ جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: کیهان، ۱۳۷۴، ش، ص ۲۴۶.](#)
۹۶. [↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها \(سمت\)، ۱۳۷۷، ش، ص ۲۵۸ به بعد.](#)
۹۷. [↑ گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها \(سمت\)، ۱۳۷۷، ش، ص ۲۷۸ به بعد.](#)
۹۸. [↑ نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸، ش، ص ۲۰.](#)
۹۹. [↑ نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸، ش، ص ۱۵.](#)
۱۰۰. [↑ مدرس طباطبایی، سیده حسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه \(کلیات و کتب‌شناسی\)، مترجم: محمد آصف فکرت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸، ش، ص ۱۲.](#)
۱۰۱. [↑ مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول و معظم اجرائها، چ ششم، قم: الهادی، ۱۳۷۴، ش، ص ۱۲۰.](#)
۱۰۲. [↑ گروه مطالعات اسلامی دائره المعارف انسان شناسی، فرهنگ اصطلاحات فقهی، ج اول، تهران: انجمن قلم ایران، ۱۳۷۷، ش، ص ۷۱.](#)
۱۰۳. [↑ مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، فقه، قم: صدرا، بی‌تا، ص ۵۵-۵۶.](#)
۱۰۴. [↑ نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با فقه، قم: احسن الحديث، ۱۳۷۸، ش، ص ۴۰.](#)

## منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «فقه»، تاریخ بازبینی: ۹۶/۱۱/۲.

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «فقه»، تاریخ بازبینی: ۹۶/۱۱/۲.

نوری، محمد اسماعیل، آشنایی با ابواب فقه، ص ۱۳-۱۴.